

از لابلای یادداشت‌ها و نبشته‌های روزمره ام

انتخابات ریاست جمهوری کشور - فرصتی برای صلح؟ مدت زمان پنج ماه تأخیر در اعلام نتایج انتخابات ضرورت مردم‌سالاری و قطع زد و خوردهای مسلحانه

تلاش‌هایی بمنظور تفاهم میان رقبای داخلی
اجماع ملی بمنابۀ اصل کلی
جستجوی شرکای منطقی
نتیجۀ گیری

مواردی پیش آمده که بسیاری‌ها معتقدند به دموکراسی مرتبط می‌باشد، مانند برابری انسان‌ها در مرتبت و حقوق، آزادی عقیده، آزادی مطبوعات و آزادی بیان و برگزاری انتخابات آزاد در یک جامعه دموکراتیک که انتخابات عمومی و آزاد برگزار می‌گردد، مردم می‌توانند به سیاستمداران و احزابی که از آنها در ساختن پالیسی بسط کشور، منطقه و محل نمایندگی می‌نمایند، رأی بدهند. سیاستمداران و احزابی که بیشترین رأی را بدست بیاورند، کسانی خواهند بود که بیشتر در تصمیم‌گیریها سهم می‌باشند. سیاستمداران انتخاب شده از رأی دهندگان نمایندگی می‌نمایند. این بنام حکومت دموکراتیک یاد می‌شود. حکومت دموکراتیک امروزه یکی از معمول‌ترین حکومت‌ها در جهان می‌باشد.

اینک در حدود ۲۰ سال، بویژه پس از تهاجم ناتو بر هبری ایالات متحده باراضی کشورما، زد و خوردهای مسلحانه همچنان ادامه داشته و انفجار و انتهارو به قتل رسیدن هموطنان ستم دیده ما بمنابۀ تداوم جنگ آغاز شده در آغاز سده حاضر محسوب می‌گردد. باین حال، آنها از دهه هشتاد سده ۲۰ قدری به توقف و ختم مناقشه داخلی در کشور ما نگر دیده، از انجام فعالیت‌های گروه‌های تروریستی جلوگیری نتوانسته، در رفع تهدیدهای پیهم مواد مخدر و تجارت و قاچاق آن ناتوان بوده، در امر ایجاد و برپایی ساختارهای دولتی نسبتن کارآمدی که از مؤثریت و اثربخشی لازم برخوردار باشد، موفقیتی نداشته و...، همه موارد گفته آمده در کنار عوامل و فاکتورهای عدیده و بی‌شمار دیگر، بگونه مجموعی و بیشتر از پیش، بر حاکمیت سیاسی کشور و پشتیبانان بین‌المللی آن فشار وارد می‌نمایند تا بیش از هر زمان دیگر، باب گشوده شده مذاکره و تفاهم که کنار آمدن‌ها را اساس کارش محسوب نموده و نه کنار رفتن‌ها را، در دستور روز قرار دهند. پروسه مذاکره و تفاهم با سهمگیری بازیگران عمده منطقی و قدرت‌های مطرح جهانی در چندین جهت، اما نهایت‌گند و ناهموار پیش می‌رود.

با در نظر داشت و توجه به سابقه نظامی "طالب"‌ها که طی سال ۱۳۹۱ قدرت را از کف دادند، باید یادآور شد که طی سال‌های پسین، در مجموعه مناطق تحت نظارت و کنترل آنها افزایش بعمل آمده و در عرصه سیاسی نیز بمنابۀ بزرگترین رقیب دولت افغانستان و ادعاً کننده‌های کسب موفقیت در امر نبرد‌های مسلحانه، وارد میدان گردیده‌اند.

با عطف توجه به چگونگی ساختار قدرت در کشور، اما دورنمای افغانستان عزیز، متأسفانه که کاملن غبار آلود به

نظری می‌رسد. در لحظه کنونی، ضعف ارگان‌های تطبیق و نظارت از قانون در کشور، کسر بودجه و کمبود منابع مالی، آماده‌سازی ضعیف کارمندان یادشده بمنظور مبارزه با فساد مزمن، تهدیدهای دیگری در زمینه پنداشته می‌شود. آنها بگونه لازمی و شاید و باید از ظرفیت لازم بمنظور مبارزه با گروه‌های تروریستی و باندهای قاچاق موادمخدر و نظارت جدی بر مسیرهای رفت و آمد به شهرهای کوچک برخوردار نمی‌باشند. نهادهای موجود در کشور را بیش از همه و قبل از سایر موارد، تقابل‌ها و رویارویی‌های قومی، قبیله‌ای و سمتی، چون موریانه می‌خورد.

بسیاری از کشورهای همجوار افغانستان، بر بنیاد آفت‌های یادشده در عرصه سیاسی کشور و از طریق فرماندهان و فرمانداران جنگ و گروه‌های تاندان مسلح، منافع‌شان را تأمین می‌نمایند. آنها با استفاده از طرق مختلف در صدد آن می‌شوند تا در امر گفتگوهای سیاسی میان افغان‌ها موانع ایجاد نمایند. آنها همچنان در چگونگی خوانش تفسیرها از هم متمایز می‌گردند، چه در غیر آن، منافع آنها تأمین نخواهد گردید.

نباید فراموش نمود که در زمین بازی کشور عزیز ما، این پاکستان و بویژه نظامیان آن کشور اند که از نقش و مؤثریت قابل توجهی برخوردار می‌باشند. استخبارات نظامی کشور یادشده که بگونه منحصر بفردی از تجربیات فراوانی در زمینه برخورد با است، افراط‌گراهای اسلامی را مورد حمایت و پشتیبانی‌های نظامی و سیاسی قرار می‌دهند. در زمینه، کشور ایران، کشورهای حاشیه خلیج و برخی از دول آسیای مرکزی و کشور ترکیه نیز بصورت مستقیم و اما بگونه ماهرانه‌ای در امور داخلی کشور ما مداخله می‌نمایند.

علاوه بر آن، طی سال‌های پسین، بگونه مکرری از تهدیدهای تبدیل افغانستان به پناهگاه "دولت اسلامی"، اطلاعاتی بگوش می‌رسد. علایم هشدار دهنده درباره موضوع مورد بحث، نه تنها توسط نماینده‌های فعال رژیم پسین، یادآوری بعمل آمد، بلکه حتا رهبران کشور تاجیکستان نیز از تراکم جنگجویان "دولت اسلامی" در امتداد مرزهای کشورشان ابراز نگرانی نمودند. در چنین شرایط نهایت دشوار و ناامن، طی ماه میزان سال روان، انتخابات ریاست جمهوری کشور براه انداخته شد تا رئیس جمهوری برای پنج سال پیشرو بمنظور رهبری کشور انتخاب گردد. قبل از همه، رئیس جمهوری که از دل انتخابات موجود موفق بدآمده و در رأس دولت قرار می‌گیرد، بگونه طبیعی با عواقب بعدی پس از خروج قوت‌های نظامی خارجی از اراضی کشور ما، اصل تداوم و انجام مذاکرات با "طالبان" و جستجوی راهی بمنظور خروج از بحران کشوری که برای چندین دهه قادر به عبور از آن نگردیده است، دست و پنجه نرم خواهد نمود.

این مسأله قابل یاددهانی پنداشته می‌شود که نهاد انتخابات ریاست جمهوری، بویژه پس از آغاز عملیات ضد ترور یستی در کشور ما، بگونه ایده آل فعال نبود. در جریان دوا انتخابات قبلی ریاست جمهوری، مبارزات و رقابت‌های عادلانه‌ای میان دو کاندید مطرح (غنی و عبدالله) بگونه دوفاکتو، اصلن از قوه بفعال مبدل نگردید. در سال ۱۳۸۷، حامد کرزی در دومین مرحله کمپاین انتخاباتی با عبدالله باید به رقابت می‌پرداخت، اما عبدالله از ادامه مبارزات انتخاباتی امتناع ورزید.

طی سال ۱۳۹۳ عبدالله با اشرف غنی در دومین دور انتخابات به رقابت پرداخت. اما در این دور، کمیسیون مستقل انتخابات، بدلیل نقض مقررات موجود انتخاباتی، قادر با اعلام برنده انتخابات نگردید. پس از بحران دیرپا، هردو جانب خویشتن را برنده انتخابات ریاست جمهوری محسوب می‌نمودند. بمنظور حل و فصل قضیه و رفع بحران بوجود آمده، جان‌گیری وزیر امور خارجه آن زمان ایالات متحده بمنظور وساطت وارد میدان بازی شده و در نتیجه، هر دو جانب به باز شماری آرا طی مدت زمان سه ماه آنها تحت نظارت سازمان ملل با هم به تفاهم و توافق نایل گردیدند. در نتیجه نهایی، کمیسیون مستقل انتخابات کشور، اشرف غنی را بمتابجه برنده انتخابات اعلام نمود. ایالات متحده که رژیم کنونی کشور ما بگونه گسترده و همه جانبه‌ای بآن وابسته می‌باشد، تصمیم گرفت تا قدرت سیاسی میان دو کاندید تقسیم گردد. بنابراین، ریاست اجرایی با وجود آنکه در مجموعه قانون اساسی کشور از آن حتا نامی برده نشده و از هیچگونه جایگاه حقوقی برخوردار نمی‌باشد، خلق گردیده و با این ابداع در صدد خاموش نمودن غائله انتخاباتی گردیدند که در نهایت امر، عبدالله در رأس چنین اداره‌ای قرار داده شد.

با این وجود، اصل تغییر و تبدیل در رهبری سیاسی کشور ما بمتابجه دستور روز پذیرفته شده که در نتیجه در مدت زمان پنج سال پس از انتخابات، اشرف غنی در رأس حاکمیت سیاسی کشور قرار گرفت. شایان یادآوری می‌باشد که اشرف غنی پس از سال ۱۳۷۹ به کشور مراجعت نموده و بمتابجه مشاور حامد کرزی بکارگماشته شد. در طول مدت زمان دوسال دولت انتقالی در کشور، نامبرده بمتابجه وزیر مالیه اجرای وظیفه نمود. اشرف غنی با پشتاره‌ای از

خدمات یادشده و ارتباط و مناسبات گسترده با نخبه های سیاسی ایالات متحده، وارد کارزار انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۲ شده و در نتیجه، برنده انتخابات اعلام گردید. اما نباید فراموش نمود که مسیر زندگی و موقف اجتماعی اشرف غنی سبب گردید تا بسیاری ها در مورد رهبری جامعه سنتی افغانستان توسط نامبرده شک و تردید نمایند.

با اینهمه، در انتخابات یادشده، اشرف غنی موفق گردید تا متحدین وسیعی به نمایندگی از بخش های مختلفی از گروه های قومی کشور را بنفع خودش متحد نماید. نامبرده اعتماد و پشتیبانی جنرال دوستم، قوماندان های محلی که رهبری بخشهایی از مناطق شمال کشور را بر عهده داشته و از جانب ترکیه مورد حمایت قرار می گرفتند و همچنان حمایت سروردانش که بیشتر از جانب ایرن پشتیبانی میگردید را نیز بدست آورد. با پشتیبانی ایالات متحده، چنین وضعیتی با اشرف غنی این فرصت را میسر نمود تا مدت زمانی بمنظور حفظ وسیله سیاسی تلاش ورزد، اما پس از مدتی، بنیاد یادشده از اساس فرو ریخت.

فراز آمدن اشرف غنی بارگ ریاست جمهوری طی سال ۱۳۹۳، با خروج بخش های عمده قوت های نظامی ایالات متحده از کشور ما مصادف بود. نباید از یاد برد که در زمان زمامداری بارک اوباما، هم حاکمیت سیاسی کشور ما و هم ایالات متحده بگونه تدریجی و آرام باصل گذار از مبارزه علیه منابع و عوامل تروریستی بام مذاکره و گفتگو بمنظور حل و فصل قضایای کشور، اشتیاق زیادی بمشاهده رسیده و سعی بعمل آمد تا با گروه های میانه رومخالفان مسلح به مذاکره و گفتگو رجوع نمایند. بنابراین، غنی از شرط بندی وسعت و گسترش مناسبات با فدراتیف روسیه، ایران و هند که در سال های رهبری حامد کرزی مطرح گردیده بود، کاملن اجتناب ورزید. در این مدت زمان است که بیش از هر مقطع زمانی دیگر، تهدیدهایی از جانب تشکل "طالب" ها متوجه حاکمیت سیاسی کشور گردید. در عوض، رئیس جمهور کشور، بیش از هر زمان دیگر بر حمایت و اشنگتن و گسترش مناسبات با پاکستان دلگرم گردید. بنظر بسیاری از تحلیلگران و سیاستمداران، عدم تمایل مخالفان مبنی به برسمیت شناختن اشرف غنی بمثابه رئیس جمهور افغانستان میتواند به یک مشکل جدی مبدل گردیده و برای سیستم دولتی، عواقب غیر قابل پیشبینی را بدنبال داشته باشد.

تغییرات در بحران سیاسی کشور زمانی آغاز گردید که در بیشتر از چهار ماه پس از انتخابات ریاست جمهوری کشور، نتایج نهایی انتخابات توسط کمیسیون مستقل انتخابات اعلام گردید. مطابق اظهارات حوالعلم نورستانی رئیس کمیسیون مستقل انتخابات کشور، نتایج نهایی آراء در انتخابات سال روان ریاست جمهوری، مبنی به برنده شدن اشرف غنی بمثابه رئیس جمهور منتخب دولت اسلامی افغانستان می باشد. مطابق اطلاعات داده شده کمیسیون مستقل انتخابات، اشرف غنی موفق باخذ ۵۰،۶۴ درصد آراء شد، یعنی بتعداد مجموعی بیشتر از ۹۲۳ رأی را بدست آورده، عبدالله با کسب ۵۲،۳۹ درصد در جایگاه دوم و گلبدین حکمتیار هم با کسب ۸۵،۳ درصد آراء در جایگاه سوم قرار گرفته اند.

اشرف غنی این موفقیت را "پیروزی هو خواهان جمهوریت" در کشور عنوان نمود. نامبرده نتیجه انتخابات اخیر را ست جمهوری کشور را نتیجه وحدت و همبستگی مردم افغانستان محسوب نمود. غنی ابراز آرزو مندگی کرد که همه در افغانستان واحد خواهان دولت و حاکمیت نیرو مند سیاسی می باشند. نامبرده همچنان اظهار آرزو مندگی نمود که یکجا و همراه با مردم کشور، چنین حاکمیت مستقر و پایدار سیاسی را ایجاد خواهد نمود. اما مدتی پس از اظهارات اشرف غنی، عبدالله رقیب نامبرده، نتایج اعلام شده انتخابات ریاست جمهوری را بمثابه کودتایی علیه دموکراسی نامید. مطابق اظهارات نامبرده، مقامات مربوطه در مورد سرنوشت حدود ۳۰۰ هزار رأی بکار رفته در خارج زمان تعیین شده، اصلن اراده ای هم نداشتند. عبدالله تأکید ورزید که اعلام نتایج انتخابات برای آنها نامعتبر و غیر قابل قبول می باشد. عده ای هم چنین می پندارند که تشکیل "دولت همه شمول" در کشور، در دستور روز قرار داده شده اما در مورد اینکه ابتکار گفته آمده به چه دلالت دارد، لب از لب نمی گشایند.

"طالب" ها که در شرایط کنونی مشغول چانه زنی در گفتگو های صلح با جانب امریکایی ها می باشند، ابلاغ نمودند که گروه نامبرده مخالف اعلام نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری در کشور بوده و انجام چنین فعالیت ها و اقدامات اینچنینی را بمثابه پنهان نمودن حقایق و خاک زدن به چشم مردم می پندارند. آنها همچنان اظهار نمودند که نتایج نهایی بازشماری آراء و اعلام زعامت اشرف غنی مملواز تقلب گسترده بوده و از هیچگونه بنیاد و اساس حقوقی و قانونی برخوردار نمی باشد. آنها همچنان نگرانی شان را در مورد آینده گفتگو های صلح در شرایط نازک کنونی کشور ابراز نمودند. طبق اظهارات آنها، انتخابات ریاست جمهوری کشور نمی تواند واصلن قادر نمی باشد تا در

مورد حل معضلات و مشکلات موجود جامعه افغانی بانجام اقدامات مؤثری مبادرت ورزد. کشور عزیز ما افغانستان، پس از بهینه سازی حضور نظامی ایالات متحده، خود باید مسیر سیاسی اش را تعیین نماید. قابل یاددانه‌ی پنداشته میشود که اعلام نتایج انتخابات اخیر ریاست جمهوری کشور، بگونه ای شک و تردید بسیار ی ها را سبب گردید. عبدالله از ابراز حمایت کرزی امتنان نمود. میتوان چنین فرض نمود که عبدالله در مجموع دولت قبلی که بسیاری از مخالفان سیاسی نامبرده نیز در آن عضویت داشتند، بمتابه رئیس کابینه ایفای وظیفه نمود. جنرال عبدالرشید دوستم از طرفداران عبدالله، قبل بر این نیز اعلام نموده بود در صورتیکه به شکایت های موجود انتخاباتی، بگونه واقعی رسیدگی نشود، حاضر است تا حکومت موازی را ایجاد نماید. تصور نمایید که مخالفان غنی در تحقق برنامه شان موفق هستند، اما نباید فراموش نمود که سیر اینچنینی حوادث و وقایع سبب خواهد گردید تا بگونه حداقل آن بانصباب مسؤلان اداری (والی ها) و بویژه در بسیاری از ولایت های صفحات شمال کشور مبادرت ورزیده شود.

این مسأله قابل تذکار پنداشته میشود که حدوث وضعیت قبلن گفته آمده، صرف سبب تشدید بحران سیاسی در کشور خواهد گردید.

حوالعلم نورستانی، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات تأکید ورزید که در ارتباط اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری کشور، کمیسیون یادشده هیچگاهی زیر بار فشار های داخلی و خارجی، از موضع وموقف اتخاذ شده اش عدول ننمود.

نتایج مقدماتی انتخابات ریاست جمهوری اخیر کشور با تأخیر چندماهه، بلاخره توسط کمیسیون مستقل انتخابات اعلام گردید. رئیس کمیسیون مستقل انتخابات کشور طی مصاحبه مطبوعاتی اظهار نمود که اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری کشور، فارغ از هرگونه فشار چه داخلی و چه خارجی، توسط کمیسیون یادشده صورت گرفت. خانم نورستانی، بارتباط تأخیر در اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری کشور، از هموطنانش پوزش طلبید. نامبرده علاوه نموده افزود که بعلت در نظر داشت شفافیت فرآیند انتخابات، چنین تأخیری بعمل آمد. نامبرده همچنان اظهار نمود که در جریان اعلام نتایج انتخابات ریاست جمهوری کشور بدلیل نحوه عملکرد های فراتر از صلاحیت هاتوسط برخی از ناظران و عدول از محدوده توافقنامه ها، روند یادشده بیش از پیش پیچیده تر گردید.

قابل تذکر است که انتخابات اخیر ریاست جمهوری در شرایط دشوار وموجودیت تهدیدهایی از جانب مخالفان مسلح برگزار گردید. در جریان روز انتخابات، جنگجویان مسلح مخالف بانجام بیش از صد اقدام تخریبکارانه در کشور مبادرت ورزیدند که در نتیجه کم از کم بتعداد ۳۰ تن از افراد ملکی کشور کشته شده و اضافه از ۱۲۰ تن هم زخم برداشتند.

قابل یادآوری پنداشته میشود که فیصله کمیسیون شکایت های انتخاباتی در مورد سؤاستفاده های انتخاباتی، بویژه هنگام اعلام نتایج رأی گیری انتخابات ریاست جمهوری، بدرستی اجرا نشد. چنانچه همه می دانند که کمیسیون مستقل انتخابات، بگونه قطعی و کار تمام، اشرف غنی را بمتابه رئیس جمهور منتخب کشور اعلام نمود که چنین تصمیمی، اعتراض بسیاری ها را سبب شده ومدعی گردیدند که پروسه انتخابات مملو از جعل بوده، شفافیت در مورد اصلن مراعات نگردیده و بگونه یکجانبه برفع تیم "دولت ساز" اقدام صورت گرفته واز رأی پاک مردم کشور سؤاستفاده بعمل آمده است. در نتایج انتخابات پسین وچگونگی اجرای آن با شیوه ونحوه انتخابات قبل بر آن، اصلن تغییری بمشاهده نمی رسد.